

پاسخ علمی - عقلانی به ملحدان

نویسنده:

عبدالرحمان حسن حبیبہ المیدانی

مترجم:

محمد صادق رحمانی سورستانی



سرشناسه : جنبه الميداني، عبدالرحمان حسن
 عنوان و نام پديدآور : پاسخ علمي - عقلائي به ملحدان، تأليف: عبدالرحمان حسن جنبه الميداني، مترجم: محمد صادق رحمانى سوريستاني
 مشخصات نشر : تربت جام: انتشارات خواجه عبدالله انصاري، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهري : ۴۶۰ ص.
 شابک : 978-600-7572-51-1
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : ميدتي
 رده بندی کنگر : ۱۳۹۷۳م۱۷۵ق۹/۲۴۱BP
 رده بندی دیویی : ۱/۲۰
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۶۴ ۷۹

پاسخ علمي - عقلائي به ملحدان

عبد الرحمان حسن: جنبه الميداني	نویسنده
محمد صادق رحمان سوريستاني	مترجم
محمد صادق رحمان سوريستاني	حروف چيني:
خواجه عبدالله انصاري	ناشر
تربت جام	چاپ
۱۰۰۰ نسخه	شمارگان
اول ۱۳۹۷	نوبت چاپ

قیمت دوره: ۲۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۷۲-۵۱-۱



حق چاپ و نشر این کتاب در داخل و خارج کشور محفوظ و مخصوص ناشر می باشد و هرگونه چاپ و کپی برداری از این کتاب بدون اجازه کتبی از ناشر، ممنوع می باشد و پیگرد قانونی دارد.

تربت جام، خیابان قاضی محمد نعیم، پلاک ۱۰۹، تلفن: ۵۱-۵۲۵۲۸۵۶۱

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه مترجم
۱۵.....	فصل اول: مقدمه‌ای بر موضوع
۱۶.....	بار سیاست‌های بی‌پروا بر دوش ملحدان
۱۷.....	سفسطه‌های فریبنده سکری
۱۸.....	کشمکش باطل
۱۹.....	دادگاه ظلم پیشه با دو معیار: صداقت و عدالت
۲۰.....	مغلطه‌ای وقیحانه
۲۵.....	فصل دوم: حقیقت دین و دانش
۳۰.....	غیب و عقل
۳۶.....	شیوه‌ی کسب دانش و معرفت در اسلام
۴۱.....	فصل سوم: انتقاد شخصی پیرامون برداشت مسلمانان از اسلام
۴۲.....	اسلامی که برای بشر عرضه گردید
۴۲.....	بررسی دقیق علمی
۴۴.....	چشم اندازی کلی به برنامه‌ی آموزه‌های اسلامی و آنچه بر آنها طاری شده
۵۲.....	عوامل شائبه آفرین و درمان آنها
۵۷.....	فصل چهارم: مقدمه‌ی گفتگو
۶۰.....	عدم وجود نگرانی نسبت به حقایق دینی و اسلامی
۶۳.....	ملحدان خود عامل شکست اعراب بودند
۶۹.....	دروغ تاریخی این ملحد
۷۲.....	اتهام دیگری از دکتر عظم
۸۱.....	فصل پنجم: مناظره درباره‌ی ایمان به خدا
۸۴.....	یک دلیل شیطانی و شیوه‌ی دفع آن

۹۹.....	مغلطه از طریق نادیده گرفتن گواهی های ایمان آمیز دانشمندان ماتریالیسم
۱۰۳.....	گواهی دانشمندان نهضت علمی جدید در مورد اثبات خدا
۱۰۶.....	مقالاتی از بزرگ ترین دانشمندان در راستای اثبات خدا
۱۴۳.....	فصل ششم: نبرد فکری با ملحدان در مورد ایمان به قیامت و دیدگاه دین پیرامون آن
۱۵۳.....	شرح آیات قرآن در مورد دلایل نظری زندگی پس از مرگ
۱۶۶.....	ایمان به آخرت یک قانون سعادت آفرین برای بشریت
۱۶۸.....	روح و جسم
۱۷۰.....	وجود روح و با بنسب نامرئی در جسم بشر
۱۷۲.....	ابطال توهمات و شبهات منکرین قیامت
۱۸۸.....	دکتر عظم و استناد او به سخنان (برتراندراسل)
۱۹۱.....	فصل هفتم: همراه با برتراندراسل و فروید بهرمان دکتر عظم
۱۹۱.....	همراه با برتراندراسل و فروید بهرمان دکتر عظم
۱۹۴.....	همراه برتراندراسل
۱۹۷.....	اعتراف برتراندراسل
۱۹۹.....	لختی با فروید دومین رهبر دکتر عظم
۲۰۲.....	فروید و تأثیرات صهیونیستی اش
۲۰۴.....	فروید دوست هرتزل
۲۰۷.....	بهره برداری فروید و دانش آموزان یهودی اش از حوزه ی روانشناسی
۲۱۳.....	فصل هشتم: مناظره برای نفی تناقض دین و دانش
۲۱۶.....	مناظره ی مغلطه آمیز دکتر عظم
۲۱۹.....	شیوه کسب دانش در اسلام
۲۲۱.....	ابزارهای شناخت و دانش اندوزی
۲۲۳.....	اخبار صحیح
۲۲۹.....	موضع اسلام در قبال نتایج متعدد ناشی از ابزار کسب دانش
۲۶۰.....	مناظره درباره ی معجزات
۲۶۳.....	پیرامون ستارگان
۲۶۷.....	مبحثی پیرامون دانش دینی و دانش به اصطلاح عقلانی و تجربی جدید

فصل نهم: عقب‌نشینی پیشرفت‌های علمی به سمت رویکردهای دینی.....	۲۷۹
انکار پروفیسور ارتراپ‌دینگتن.....	۲۸۲
اعترافات عده‌ای از دانشمندان.....	۲۸۴
فصل دهم: پیرامون مواردی که دکتر عظم به طور مشخص از آنها نام برده است.....	۲۸۹
تراژدی شیطان.....	۲۸۹
دکتر عظم و هات منصور حلاج.....	۲۹۱
شیطان اریدّه عقیده‌ی اسلامی.....	۲۹۲
دکتر عظم و کیل مداف ابلیس.....	۲۹۶
فصل یازدهم: کفر و کفران.....	۳۱۷
کفر چیست؟.....	۳۱۷
دسته‌های متعدد کافران.....	۳۱۹
علیه چه کسانی می‌توان حکم کفر داد؟.....	۳۲۰
آرزوی اسلام برای ایمان آوردن مردم و نجاتشان از کفر و شرارت‌های آن.....	۳۲۵
عوامل کفر و گمراهی.....	۳۲۹
انحراف روانی و انواع آن.....	۳۳۳
فضای رشد و فعالیت کفر.....	۳۴۰
مهر بردل‌های کافران.....	۳۵۷
مهر بردل‌های یکی از عوامل ایجاد کننده‌ی کفر.....	۳۶۱
تنوع تعبیرهای قرآن کریم در مورد مهر شدن دل‌ها.....	۳۶۲
توصیف کافران به چهارپایان و بدتر از آنها.....	۳۶۵
موضع کافران نسبت به مومنان.....	۳۶۹
جدال کفار پیرامون توحید.....	۳۸۳
نزاع کفار در مورد قیامت.....	۳۹۶
سخنان مجادله‌آمیز کافران.....	۳۹۷
مشاجره‌ی کافران در مورد کتاب آسمانی.....	۴۰۲
کشمکش دشمنان از طریق دشنام، ناسزاگویی، اخلاگری و بازداشتن مردم از حقیقت و.....	۴۰۷
شیوه‌های متعدد ناسزاگویی.....	۴۰۸

- ۴۱۴ جدال کفار با استناد به برخورداری از نعمت‌های مادی دنیا
- ۴۱۶ مشاجره‌ی کفار به بهانه‌ی قضا و قدر
- ۴۲۰ کیفرهای دنیوی و اخروی کافران
- ۴۲۲ کیفر با خفقان
- ۴۲۳ عذاب با تزلزل روانی و اضطراب
- ۴۲۴ کیفر با شکست کافران در برابر مومنان
- ۴۳۴ عقوبت با محییت‌های جزئی
- ۴۳۵ عذاب با اختلاف نام و نابودی همگانی
- ۴۴۱ عذاب کافران در مرحله‌ی نخست
- ۴۴۲ عذاب کافران در مرحله‌ی دوم
- ۴۴۶ عذاب کافران در مرحله‌ی سوم

مقدمه مترجم

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله و على آله و اصحابه أجمعين

خداوند انسان را به عنوان آفریده‌ی هدف درگستره‌ی هستی به وجود آورد و او را سبیل موجودات قرار داد و سفری زمین را با تمام داشته‌هایش در اختیار او گذاشت ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ [البقرة: ۲۹] «خدا آن کسی است که همه موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفرید» خداوند او را هم در اجرای اوامر و هم در امر عمران و آبادانی زمین به عنوان جانشین خود انتخاب کرده و فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ [البقرة: ۳۰] من در زمین جانشینی بیافرینم (تا به آبادانی زمین بپردازد و آن زیانکاری و نوآوری را که برای زمین معین داشته‌ام به اتمام رساند) و در اینجا که انسان برای ایفای نقش خود نیاز به یک سری ابزار و آلات داشت او را با گوه‌ر ارزشمندی به نام قدرت، اندیشه و تفکر آراست؛ نعمتی که دیگر موجودات از آن بی بهره می باشند؛ اکنون او با استفاده از همین نعمت در دریای ژرف مجولات غوطه‌ور می شود و دُرهای گرانبهای معلومات را از اعماق آن بیرون می کشد، زیبایی های موجود در دنیا که چشم هر زیباپسند را خیره می کند، دستاورد همین گوه‌ر انامیه است اما استفاده‌ی انحرافی و کوتاه بینانه‌ی بشر از این گوه‌ر گرانسنگ باعث شده است، او در طبیعت سرگرم شده و از دنیای ماورای طبیعت غافل بماند، رده‌های پایین نظام هستی کانون نماز و شکر قرار گرفت و او تا اندکی خود را دانا به دانش مادی دید، از قله‌ی این هرم علمی که دانای مطلق است غافل ماند؛ او ندانست که به تعبیر قرآن مجید مقوله‌ی (دانایی) در رده‌های پایینی این هرم نسبی است و دانای تر از هر دانایی وجود دارد، دانای مطلق همان ذاتی است که در هر نظام و فرهنگ از او به نامی تعبیر می شود، ما او را به نام (الله) می شناسیم.

زمانی بشر به مرض کوتاه بینی مبتلا گردید که از هر ابزار موجود بیش از حد طبیعی و فراتر از اندازه اش انتظار داشت؛ او از خرد و اندیشه‌ی خود بیش از حد معمول انتظار داشته و دارد که البته موفقیت های علمی و دستاوردهای مادی در همه‌ی عرصه‌ها و زیر شاخه‌های علمی او را نسبت به این باور بیش از پیش متقاعد کرده است؛ او در طول تاریخ هر گاه در زمینه‌ای به

موفقیت دست یافت سنگ دانایی به سینه زد و خود را دانای مطلق معرفی کرد؛ این امر باعث شد در هر زمینه‌ای هر چند بیرون از حوزه‌ی تخصصش ورود پیدا کرده و هر خشک و تری را جمع‌آوری نماید به امید اینکه بتواند پازل آفرینش را از آغاز تا پایان چیده و برای هر نقطه‌ی آن توجیهی ارایه دهد؛ غافل از اینکه بشر با تمام دانشش هنوز در دنیای مجهولات و ناشناخته‌ها سرگردان بوده و هست و آنچه او به دست آورده چیزی جز قطره‌ای از دریای دانش آن دانای مطلق نیست.

او پا به عرصه‌ی وجود گذاشت تا با گذر از سلسله اسباب متعدد به مسبب‌الاسباب برسد و نام خود را در جرگه‌ی عالم جاودانه گرداند؛ اما او در حلقه‌های ابتدایی اسباب به دام افتاد و از پرواز و اوج‌گیری باز ماند، متأسفانه در این بحبوحه حیوان صفتان انسان‌نما از راه رسیده و به جای اینکه راه او را اصلاح باز کند، با تئوری‌ها و نظریه‌های ناقص و پیچیده‌ی خود بیش از پیش دست و پای او را بسته و مانع پیوستن او به صفوف ملکوتیان شدند؛ آنان به همین بسنده نکردند بلکه اینقدر قدرت انحصاری و تخریبی را تخیل نمودند که جای همه چیز در ذهن او جا به جا و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها به یکدیگر برآمده شدند؛ نگاه علمی او را از خالق آفریدگار باز گردانده و تئوری‌های بینگ بنگ، تکامل داروین، نظریه‌ی نادر و غیر علمی فروید و... را همچون زنجیری به دست و پای او انداختند تا مبادا او به عروج خود را به سوی دانای مطلق باز کند؛ او را در همین حلقه محصور و نگاه او را به نهر دانشی معلق و او را به انکار سرچشمه‌ی این نهر وادار نمودند با وجودیکه جویبار دانش از آفریدگار دانا سرچشمه می‌گیرد؛ آیا ممکن است کسی وجود نهر را بپذیرد و سرچشمه‌ی آن را انکار نماید؟!.

دانشی که منکر سرچشمه‌اش باشد، دانش نخواهد بود و نه‌تنها انگ‌زه‌های متفاوت و متعدد رنگ و لعاب دانش به خود گرفته است.

خداوند ابزار تفکر و خرد را در اختیارمان گذاشت تا متناسب با شرایط محیطی‌مان از آن بهره‌برده و از آن پلی برای جاودانه شدن بسازیم نه اینکه با پوره‌ی دانشمان پا به هر عرصه گذاشته و در هر زمینه‌ای نظریه‌پردازی نموده و حقایقی را که برای خرد و دانشمان قابل درک و هضم نیست، انکار کنیم؛ دنیای ما دنیا حد و مرزهاست و هر چیز متناسب با شرایط موجود کاربرد و محدوده‌ی فعالیت خاصی دارد و نباید از آن بیش از اندازه توقع داشت، هیچ کس از ما منکر دانایی و خرد کودک و نوجوان نیست و هر یک از ما او را در حد خودش دانا و خردمند می‌دانیم آیا با این حال می‌توان از او به اندازه‌ی دانایی و تجربه‌ی یک فرد پنجاه ساله توقع

داشت؟! دانش و خرد او در حد خودش بوده و برای دنیای کودکانه‌ی خودش کاربرد دارد، اندیشه و خرد ما هم برای کشف دنیای مادی و برای شرایط کنونی ما کاربرد داشته و از درک دنیای ماورای طبیعی قاصر است؛ دنیای ما ظرفیت مطلق شدن را ندارد؛ بنابراین همه چیز در دنیا نسبی است از این رو باید دانش خود را نسبت به مواردی که در پس پرده‌ی زمان و مکان قرار دارد از منبع دیگری به نام وحی که توانایی گذر از موانع دست و پا گیر مادی را دارد، به دست آوریم.

دانش منکر آفریدگار و ارزش‌ها نیست بلکه این هوس‌ها و انگیزه‌های پوشالی است که این ویژگی منفی را به دامان پاک دانش گره می‌زند.

کتاب ارزشمند استاد مرحوم عبدالرحمان حسن حنکه المیدانی تحت عنوان (صراع مع الملاحدة حتى العظم) تلاشی در همین راستا است که می‌کوشد با نگاهی ژرف و علمی در میدان مناظره با ملحدان روبرو شده و به آنان پاسخ گوید؛ ایشان بیشتر اندیشه‌های دکتر جلال صادق العظم را به عنوان نماینده‌ی ملحدان مورد بررسی قرار داده است؛ این کتاب در نوع خود کم نظیر است و بنده وقتی مطالعه‌ی آن را شروع نمودم آن را سرمایه‌ی گراسنگی برای مسلمانان و اندیشمندان اسلامی یافته و گفتم چقدر شایسته است این کتاب ترجمه شده و در دسترس نسل جوان و تحصیلکرده‌مان قرار گیرد؛ چرا که آنان اکنون بیش از هر زمان دیگری مورد هجوم‌های تبلیغاتی و به اصطلاح علمی دشمن قرار گرفته‌اند؛ بنابراین با بضاعت علمی اندک - که آن هم تنها لطف خداست - دست به قلم شده‌ام و این را به تمام دشواری‌هایی که داشت با اتکال به خدا ترجمه نمودم و اکنون در اختیار فرزندان مسلمانان قرار می‌دهم.

در آخر خطاب به هر فریب‌خورده‌ای می‌گویم؛ باور و عدم باور شما به خدا و پیامبران یا به عبارتی دین، توفیری به وجود حقایق نخواهد داشت و هر آنچه دین حق از آن خبر داده و بر آن تأکید کرده، درست و حق است و به موقع و در وقت تعیین شده اتفاق خواهد افتاد؛ بنابراین به خود آید پیش از آنکه دیر شود زیرا خیلی زود دیر می‌شود.